



گفت و گوی «ایران» با داریوش پیرنیاکان درباره وضعیت امروز موسیقی به انگیزه زادروز حسین علیزاده زخمه اندیشه برپیکره تار متعجبم اکثر خوانندگان ایرانی پاپ خوان شده‌اند

گفت و گو

نداسیجانی

روزنامه نگار

یکم شهریور ماه، استاد حسین علیزاده ۷۲ ساله شد (۱۳۳۰)، موسیقیدان، ردیف‌دان، آهنگساز، پژوهشگر و نوازنده تار و سه‌تار. هنرمندی که هنر و نام و آوازهاش شهره جهان است و با برگزاری کنسرت‌های بیشمار و متعدد در داخل و خارج از ایران، در معرفی موسیقی ایرانی تلاش‌های بسیاری داشته است. هنرمندی که هیچ‌گاه به دنبال عنوان و شهرت نبود، تا آنجا که آدرمه ۱۳۹۳ نشان شوالیه را در کرده و در پیامی آورده بود: «به نام حسین علیزاده قناعت کرده، تا آخر عمر به آن پیشوندی نخواهم افزود... و خود را بی‌نیاز از دریافت هر نشانی دانسته»: آنچنان که دوستان و همکارانش بر این موضوع اذعان داشته و می‌گویند، حسین علیزاده در نام خودش خلاصه می‌شود. داریوش پیرنیاکان، نوازنده تار و سه‌تار و آهنگساز، حسین علیزاده را هنرمندی منحصر به فرد می‌نامد و نوای سازش را هویت و امضای هنری او می‌داند.

ایران همساز و هم‌نوا
داریوش پیرنیاکان همساز و همکار و هم‌دوره حسین علیزاده است. او در این باره می‌گوید: «آشنایی من با آقای حسین علیزاده یکی از ستون‌های اشاعه موسیقی برمی‌گردد. در همان سال‌های ابتدایی شکل‌گیری این مرکز در کنار هم بودیم و تا به امروز این دوستی‌ها و رفاقت‌ها ادامه داشته است. من و آقای علیزاده همسازیم و در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی، هر دو تار می‌نواختیم و در گروه‌های مجزا فعالیت داشتیم. اما متأسفانه هیچ‌گاه فرصت هم‌نوازی و همسازي در کنار یکدیگر به وجود نیامد. آن دوران که در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی فعالیت می‌کردیم، آقای علیزاده برای نخستین بار ردیف موسیقی ایرانی را به‌صورت گروه‌نوازی اجرا کرد. در این گروه هنرمندان دیگری چون علی‌اکبر شکارچی، محمد علی کبانی‌نژاد و... نوا و ماهر، را به‌صورت گروه‌نوازی اجرا کردند که بسیار زیبا بود. در واقع شروع این ساخت و سازها در آن دوران شکل گرفت و در همان برهه زمانی، کاری نو و تازه بود که برای اولین بار انجام می‌گرفت.»

او درباره شیوه کاری و شخصیت فردی حسین علیزاده گفت: «حسین علیزاده یکی از استادان بزرگ موسیقی ایران است و در زمینه حفظ و ترویج هنر موسیقی این سرزمین، زحمات بسیاری کشیده است. چه به لحاظ آهنگسازی که آثار فاخری از او به ثبت رسیده و چه به لحاظ تعلیم و

علیزاده هر دو از شاگردان استاد علی‌اکبر شهنازی بودیم و در کنار درک و دریافت از شیوه آموزشی استاد، هریک، سبکی متفاوت در نوازندگی داریم.

بنابراین با شنیدن صدای ساز هنرمندان قدیمی، متوجه خواهید شد صدای نوازندگی هریک مشخصه خاصی دارد و شناسنامه آن هنرمند است. در واقع اصل در هنر همین است یعنی هنرمند در تقلید و الگوبرداری متوقف نشود و نماند. البته در یک مسیر آموزشی، شاگرد مقلد شیوه‌های نوازندگی استاد خویش است و ایرادی بر آن وارد نیست اما در نهایت به سبکی می‌رسد که مختص خود اوست. حسین علیزاده هم مستثنی از این موضوع نبوده و نوازندگی‌اش زین موسیقایی اوست و بیانگر شخصیت منحصر به فردش است. تمامی این موارد مختصاتی است که به نظر من اگر هر نوازنده‌ای در نگاه کارشناسان و مردم به جایگاه قابل قبولی برسد، بایستی دارای این خصوصیات باشد و همان‌طور که قبل‌تر اشاره کردم، شیوه نوازندگی، مختص خود شخص باشد و تقلید از کسی نبوده باشد.»

نسل امروز شتاب‌زده‌اند و در تلاشند خیلی زود به شهرت برسند
او در پاسخ به این سؤال که آیا در نسل امروز که از شاگردان شما و آقای علیزاده هستند، این وجه تمایز مشهود است یا خیر، اظهار کرد: «متأسفانه باید بگویم خیر. نمی‌دانم شاید بعد از نسل ما، عرصه و یا بستر کمتری برای اجرا وجود دارد و کمتر شاهد این موضوع هستیم که نسل نوازندگان بعد از ما، به شیوه‌ای نوازندگی کنند که با شنیدن صدای سازشان، متوجه این تمایز در نوازندگی آنها بشویم. نمی‌دانم نسل امروز نوازندگان موسیقی در چه فضایی قرار گرفته‌اند که همچنان به زبان خاصی در نوازندگی ترسیده‌اند. شاید بخشی از این مسأله مربوط به شیوه آموزش موسیقی باشد و یا آنکه جامعه به سمتی گرایش پیدا کرده که موجب شده نسل جوان شتاب‌زده عمل کنند و در تلاشند در نزدیک‌ترین زمان هنر خود را معرفی کرده و به مرحله اجرا برسند و به قول معروف دیده شوند و به شهرت برسند. متأسفانه این موارد، هم در نوازندگی و هم در خوانندگی قابل مشاهده است و نیازمند کارشناسی و



با نگاه به هم‌نسلان ما متوجه خواهید شد تقریباً هنرمندان این دوره فعالیتی ندارند. به این سبب که فضای جامعه برای ارائه موسیقی مسموم است. علاوه بر آن هیچ انگیزه‌ای برای کار کردن نیست، چرا که نگاه هنری جامعه از موسیقی اصیل ایرانی به ارزشمندی و احترام برخوردار نیست. به نظر می‌تواند موضوعاتی عاطفی یا اجتماعی و سیاسی و... باشد. بنا بر این اگر در پس هر هدفی اندیشه و تفکر وجود داشته باشد، یقیناً کار ماندگاری تولید خواهد شد. بار دیگر تأکید می‌کنم ذوق و علاقه‌مندی لازمه هر کاری و تولید هراتر هنری است، اما کافی نیست و در ادامه این حرکت، اندیشه‌ورزی هم لازم است. به‌طور مثال با نگاه به سرود «ای ایران» متوجه خواهید شد در پس ساخت شعر این اثر، یک محرک اجتماعی قرار دارد که موجب شده این انگیزه در ذهن استاد روح‌الله خالقی شکل بگیرد. یا تصنیف زیبایی «مرغ سحر» یا تصنیف «زمن ننگار»، و... هر کدام از این آثار حامل یک پیام هستند و تکمله به تولید آثار موسیقی پرداخته و هر کدام از آنها هدفمند و حامل یک پیام است و همین آتاریش سبب ماندگاری‌اش شد. «آواز گنجشک‌ها»، «ملکه»، «در چشم باد»، «دلشدگان»، «رشت و زیبا»، «زیر تیغ»، «آتابای» و... جمله آثار موسیقی فیلم‌های حسین علیزاده است که البته برخی از آثار منتخب و برگزیده جشنواره فیلم فجر هم بوده‌اند. داریوش پیرنیاکان به موسیقی فیلم‌ها اشاره کرد و موسیقی تیتراژ و متن سریال «زیر تیغ» را یکی از بهترین کارهای او عنوان کرد و افزود: «این موسیقی را بسیار دوست دارم و بر این باورم حسین علیزاده در ژانر موسیقی فیلم هم موفق و سربلند بوده و توانسته احساس و اندیشه خود را در موسیقی متن به درستی روایت کند.» حسین علیزاده از جمله هنرمندانی است که در کنار فعالیت هنری‌اش، دغدغه‌مند مردم کشور و هنرش است. او همیشه در کنار مردم سرزمینش بوده و در هر نوع فعالیتی و دیدگاه‌های اجتماعی پیشقدم بوده و بارها و بارها برای حفظ موسیقی ایران مقاومت کرده است. او در یکی از اجراهای خود بیان می‌کند: «موسیقی شغل ما نیست، عشق ماست... اگر موسیقی بخواهد شهید داشته باشد، من در صف اول آن ایستاده‌ام.» اجراهای گروهی حسین علیزاده طی دو، سه دهه گذشته با حضور و همکاری هنرمندان بزرگی چون محمدرضا شجریان، کیهان کلهر، پرویز مشکاتیان، محمدرضا لطفی، شهرام ناظری و... بوده است اما آرام آرام این هنرمندان به لحاظ کاری از هم فاصله گرفتند و اجراها به شکل دیگری روی صحنه رفت.»



محرک‌ها می‌تواند موضوعاتی عاطفی یا اجتماعی و سیاسی و... باشد. بنا بر این اگر در پس هر هدفی اندیشه و تفکر وجود داشته باشد، یقیناً کار ماندگاری تولید خواهد شد. بار دیگر تأکید می‌کنم ذوق و علاقه‌مندی لازمه هر کاری و تولید هراتر هنری است، اما کافی نیست و در ادامه این حرکت، اندیشه‌ورزی هم لازم است. به‌طور مثال با نگاه به سرود «ای ایران» متوجه خواهید شد در پس ساخت شعر این اثر، یک محرک اجتماعی قرار دارد که موجب شده این انگیزه در ذهن استاد روح‌الله خالقی شکل بگیرد. یا تصنیف زیبایی «مرغ سحر» یا تصنیف «زمن ننگار»، و... هر کدام از این آثار حامل یک پیام هستند و تکمله به تولید آثار موسیقی پرداخته و هر کدام از آنها هدفمند و حامل یک پیام است و همین آتاریش سبب ماندگاری‌اش شد. «آواز گنجشک‌ها»، «ملکه»، «در چشم باد»، «دلشدگان»، «رشت و زیبا»، «زیر تیغ»، «آتابای» و... جمله آثار موسیقی فیلم‌های حسین علیزاده است که البته برخی از آثار منتخب و برگزیده جشنواره فیلم فجر هم بوده‌اند. داریوش پیرنیاکان به موسیقی فیلم‌ها اشاره کرد و موسیقی تیتراژ و متن سریال «زیر تیغ» را یکی از بهترین کارهای او عنوان کرد و افزود: «این موسیقی را بسیار دوست دارم و بر این باورم حسین علیزاده در ژانر موسیقی فیلم هم موفق و سربلند بوده و توانسته احساس و اندیشه خود را در موسیقی متن به درستی روایت کند.» حسین علیزاده از جمله هنرمندانی است که در کنار فعالیت هنری‌اش، دغدغه‌مند مردم کشور و هنرش است. او همیشه در کنار مردم سرزمینش بوده و در هر نوع فعالیتی و دیدگاه‌های اجتماعی پیشقدم بوده و بارها و بارها برای حفظ موسیقی ایران مقاومت کرده است. او در یکی از اجراهای خود بیان می‌کند: «موسیقی شغل ما نیست، عشق ماست... اگر موسیقی بخواهد شهید داشته باشد، من در صف اول آن ایستاده‌ام.» اجراهای گروهی حسین علیزاده طی دو، سه دهه گذشته با حضور و همکاری هنرمندان بزرگی چون محمدرضا شجریان، کیهان کلهر، پرویز مشکاتیان، محمدرضا لطفی، شهرام ناظری و... بوده است اما آرام آرام این هنرمندان به لحاظ کاری از هم فاصله گرفتند و اجراها به شکل دیگری روی صحنه رفت.»

فضای جامعه برای ارائه موسیقی مسموم است
داریوش پیرنیاکان درباره فاصله‌ای



برش

- حسین علیزاده هم در آهنگسازی و هم در نوازندگی شیوه‌ای منحصر به فرد دارد. سبک و سبایی که بسیار دلنشین و دلنواز است و مخاطب را مجذوب و مسحور خود می‌کند. او از جمله نوازندگانی است که با نواختن اولین مضراب‌ها، هویت نوازنده شناسایی می‌شود و مشخص است که این ساز حسین علیزاده است و امضای او پای کارش است.
- علت مانا و ماندگار بودن آثار هنرمندانی چون حسین علیزاده، عدم نگاه تقنینی به تولید آثار موسیقایی است و البته در کنار آن اندیشه‌ورزی. اگر در کار هنری، پشتوانه اندیشمندانه و تفکر وجود نداشته باشد، قطعاً کار موفق و اثرگذاری تولید نخواهد شد. نکته دیگر اینکه کار را صرفاً هنر برای هنر ندانیم، یعنی تنها به این موضوع که ذوقی هست تا هنگی ساخته شود، اکتفا نکنیم بلکه آن را هدفمند و اندیشمندانه بدانیم.
- متأسفانه در حال حاضر اکثریت خوانندگان موسیقی ایرانی به پاپ‌خوانی روی آورده‌اند و در این زمینه فعالیت می‌کنند. البته ارزش‌گذاری برای کارها ندارم اما متعجبم از این انتخاب سلیقه و جهت‌گیری‌ها هستم.

که بین هنرمندان ایجاد شده است، اظهار کرد: «با نگاه به هم‌نسلان ما متوجه خواهید شد تقریباً هنرمندان این دوره فعالیتی ندارند. به این سبب که فضای جامعه برای ارائه موسیقی مسموم است. علاوه بر آن هیچ انگیزه‌ای برای کار کردن نیست، چرا که نگاه هنری جامعه از موسیقی اصیل ایرانی به سوی موسیقی پاپ گرایش پیدا کرده است. البته مخالف این ژانر از موسیقی نیست و همیشه از این موسیقی دفاع و طرفداری کرده‌ام. منظور من این است که ژانرهای موسیقی نباید با یکدیگر تلفیق شوند. این دیدگاه موجب سردرگمی‌شونده خواهد بود.

موسیقی پاپیولار جایگاهی گسترده در جامعه و در بین نسل امروز دارد و به نظر من تولید چنین کارهایی برای شنیدن، ضرورت نسل جوان است. به یادم دارم در سال‌های ابتدایی انقلاب ممانعت‌هایی برای ارائه موسیقی بود و حتی مانع پخش موسیقی پاپ از رادیو بودند، اما من اعلام کردم و به دوستان دست‌اندرکار گفتم این نگاه موجب می‌شود سطح شنیداری موسیقی کاهش پیدا کند، چرا که اگر هر کدام از این موسیقی‌ها حذف شوند، شاخه دیگر موسیقی متضرر خواهد شد. این موسیقی‌ها در کنار یکدیگر رشد می‌کنند و پرورش می‌یابند. متأسفانه در حال حاضر اکثریت خوانندگان موسیقی ایرانی به پاپ‌خوانی روی آورده‌اند و در این زمینه فعالیت می‌کنند. البته ارزش‌گذاری بر این کارها ندارم اما متعجبم از این انتخاب سلیقه و جهت‌گیری‌ها هستم.»

نسل ما دیگر انگیزه‌ای برای کار کردن ندارد

او در پاسخ به این سؤال که نگاه و سلیقه جامعه امروز به موسیقی تغییر کرده و نیاز نسل جوان، موسیقی روز است، اظهار کرد: «هنرمند واقعی، هنرمندی است که اندیشه‌ای در پشت کار او وجود دارد و بنا بر همین تفکر و اندیشه تن به تمامی خواسته‌های جامعه نمی‌دهد. مثالی در اینجا می‌آورم. هنرمند مانند یک پزشک است. هنگامی که فردی بیمار می‌شود، پزشک توجیهی به خواسته‌های بیمار ندارد و طبق تشخیص خود طبابت را انجام می‌دهد و نسخه می‌پیچد. هنرمند واقعی کسی است که نیاز جامعه را تشخیص دهد، نه اینکه نیاز و خواسته جامعه را مرتفع کند. به‌طور مثال من نمی‌توانم با یک بهانه جویی این‌گونه اظهار نظر کنم چون مردم در حال حاضر علاقه‌ای به شنیدن موسیقی آوازی ندارند، باید شیوه کاری خود را به سمت دیگری تغییر دهیم. این دیدگاه تنها جذب مخاطب بیشتر و در ادامه اقتناع مالی است و کسانی که این مسیر را برمی‌گزینند، قطعاً این هدف را دنبال می‌کنند و به همین سبب است که می‌گویم نسل ما دیگر انگیزه‌ای برای کار کردن ندارد چرا که به دنبال این اهداف و مخاطبان نیستند. آنها به دنبال تشخیص و درمان جامعه هستند که متأسفانه در حال حاضر این فضا و بستر وجود ندارد و به سمت دیگری رفته است و نسل گذشته که در هر زمینه‌ای از موسیقی فعالیت داشتند، ناامید و بی‌انگیز شده‌اند.»

او در پایان صحبت‌های خود به تولد استاد حسین علیزاده اشاره کرد و در سالروز تولد این هنرمند، اظهار ایشان آرزوی سلامتی داشت و اظهار کرد: «حسین علیزاده جایگاه خاصی در قلب ما دارد و برایشان آرزوی طول عمر و سلامتی دارم.»